فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره نوزدهم. بهار ۱۳۹۷، صص۱۰۵-۸۵ Vol 2. No 19. 2018, p 85-105
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

سیاست‌های پیشگیرانه جامعه‌مدار اطفال از جرایم

عنایت اله راضی
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (تهران)
و قاضی دادگستری شهرستان سیرجان
enayatrazi70@gmail.com

چکیده

کودکان و نوجوانان اغلب مرتکب جرایمی می‌شوند که عنوان بزهکاری بهتر بر افعال آنان اطلاق می‌شود. در اکثر مواقع پیشگیری همراه با مجازات است ولی در خصوص اطفال و کودکان و به اقتضای سنین رشد آن‌ها پیشگیری حالت غیرکیفری به خود گرفته که در معنای علمی که در جرم‌شناسی پیشگیرانه به عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی بررسی می‌شود قلمرو متنوع و گسترده‌ای دارد. پیشگیری غیرکیفری اکثر ارکان جامعه را با آن درگیر می‌کند یعنی جامعه، خانواده، مدارس و رسانه‌ها در قبال هدایت و همراهی کودکان در انجام حسن اعمال مقبول جامعه مسئول هستند. با این حالت پیشگیری در خصوص، جرایم اطفال را می‌توان در دسته‌بندی ذیل تقسیم نمود. در دسته نخست تدابیر پیشگیرانه عمومی یا پیشگیری اجتماعی در جهت اصلاح و تربیت کلیه افراد جامعه که می‌توانند بزهکاران بالقوه باشند و تدابیر خصوصی برای افرادی که حالت خطرناک و روحیه ضد اجتماعی و ناسازگاری دارند متمرکز کند و سیاست‌های آموزشی و تربیتی نیز در این سطح از پیشگیری از ارتکاب بزه مد نظر قرار می‌گیرد. البته خانواده و آموزش و پروش در راستای هم می‌توانند نقش اساسی داشته باشند. لذا اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه در مراحل قبل و بعد از تکوین بزهکاری و بزه دیدگی کودکان در چارچوب سیاست گذاری تربیتی و آموزشی از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در این تحقیق هم این جهت گیری مورد بحث قرار گرفته است و سپس مقاله پیش‌رو با بهره‌گیری از نظریه جامعه شناختی به بررسی چگونگی پیشگیری جامعه‌مدار اطفال از ارتکاب جرایم و بزهکاری می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: کودکان، اطفال، بزهکاری، آسیب‌های اجتماعی، مدرسه، خانواده، اصلاح و تربیت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مقدمه

پیشگیری از وقوع جرم که مؤثرترین و بهترین راه مبارزه با رفتار کجروانه و ناهنجاری‌های اجتماعی است، جایگاه والا و ارزشمندی در سیاست جنایی کشورها دارد. پیشگیری از جرم طبق تعریف «لایحۀ پیشگیری از وقوع جرم» عبارت است از «پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن». در طول قرون متمادی، اتخاذ چنین تدابیر و اقدامات به منظور حفظ حقوق فردی و اجتماعی و تأمین امنیت همه جانبه افراد، توجه دانشمندان علوم مختلف و سیاست مداران را به خود معطوف داشته است. (بایسته‌های پیگیری از وقوع جرم)[1]

البته با توجه به تقسیم بندی مطروحه در حوزه پیشگیری، تاثیرگذاری تیپ های مختلف پیشگیری یکسان نیستند، برخی از انواع پیشگیری زمینه و علل وقوع جرم را از بین می برد(پیشگیری اجتماعی) و دیگری فرصت و امکان آن را کاهش می دهد یا دشوار می‌سازد. به عنوان مثال پیشگیری وضعی، هدفش از بین بردن و کاهش فرصتهای وقوع جرایم می باشد.

ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی، بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسائل دیگر، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت و تعمیم بیمه، ایجاد زمینه های مناسب برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او و حمایت از مادران و کودکان بی سرپرست، نمونه هایی از بندهای اصل سوم و بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد که به واقع تحقق آنها نمونه هایی از آرمان شهر مدینه فاضله می نماید، بگونه ای که زمینه بسیاری از جرایم را می خشکاند. جملگی موارد یاد شده در قالب پیشگیری اجتماعی می گنجد، با این توضیح که «پیشگیری اجتماعی» اقدام های اساسی عمیق و دراز مدت نسبت به افراد و محیط پیرامون آنها را شامل می شود. در این مورد عمدتاً دو نوع رویکرد یا دو نوع طرز تلقی مهم از جنبه نظری و هم از جنبه عملی مورد توجه قرار گرفته است. این دو رویکرد را تحت عنوان رویکرد ساختاری یا معماری ورویکرد تفریحی وسرگرمی در قالب «اوقات فراغت» مطرح می‌کنند، یعنی به مسائل ساخت و ساز خیابانها، محله‌ها و شهرک‌های جدید و لحاظ مسائل امنیتی در مقابل جرم توجه می‌شود. رویکرد دیگر مبتنی بر تنظیم اوقات فراغت و مسائل فرهنگی است.

بنابراین با توجه به اینکه عموماً سیاست‌های جامعه‌دار، آموزشی و تربیتی کودکان در خانواده و مدارس در چهارچوب استراتژی های پیشگیری اجتماعی قابل بررسی است لذا مسئله اساسی مقاله حاضر این است که این سیاست ها کدامندو اصول و محورهای حاکم برآن چیست؟

---

۱. بایسته های پیشگیری از وقوع جرم، دسترسی در:
http://www.maavanews.ir/Default.aspx?tabid=4355&articleType=ArticleView&articleId=70724

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

نظریه‌های جامعه‌شناختی بزه‌کاری

تبیین‌های جامعه‌شناختی بزهکاری نسبت به حوزه‌های دیگر از کمیت و برجستگی بیشتری برخوردار است. انگیزه های بزهکاری و جرم به سادگی از عیوب، قصور، آزادی انتخاب افراد، خصلت‌های روانی و به طور کلی عوامل فردی (آنچنان که مورد نظر رویکردهای کلاسیک و اثبات گرایی است) ناشی نمی‌شود. یک تبیین کامل از رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید فرهنگ اجتماعی محیطی را که مردم در آن زندگی می‌کنند، در نظر بگیرد.

دلایل زیادی برای مطالعه‌ی جرم و بزهکاری از دید جامعه شناسی وجود دارد. اول اینکه، برخی از مناطق جغرافیایی نسبت به سایر مناطق برای وقوع تخلف و جرایم، مستعدتر هستند. محققان تلاش نمودند تا کشف کنند که چرا چنین نمونه هایی وجود دارند و چگونه می توان آنها را از بین برد. توصیف جرم و بزهکاری به عنوان یک پدیده انفرادی نمی تواند تأثیر این نمونه ها در میزان جرم را نشان دهد. دوم، جامعه‌شناسی دگرگونی های موجود در هنجارهای فرهنگی و تأثیر آن بر روی رفتارهای فردی و گروهی را دنبال می نماید. به عبارت دیگر، جامعه‌شناسی به دنبال شناسایی تغییرات اجتماعی و جوانب پویای رفتار بشریت است. تغییر ساختار یک جامعه دارای تأثیر بسیار زیادی در روابط درون گروهی و درون شخصیتی است. کاهش نفوذ خانواده با افزایش تأکید بر فردگرایی، استقلال و انزوا همراه شده است. یک خانواده‌ی تضعیف شده با جرم و بزهکاری مرتبط می شود. رشد سریع فنآوری و تأثیر آن در سیستم اجتماعی یکی دیگر از تغییرات مهم می باشد که می تواند میزان بزهکاری و جرم را تحت تأثیر قرار دهد. سوم اینکه، تأکید علم جامعه شناسی بر روی کنش متقابل درون گروهی می باشد. درک تعامل پویا میان افراد و مراکز مهم اجتماعی مانند خانواده‌های شان، گروه همسالان، مدارس آنها، کارشان و غیره برای فهم دلایل جرم و بزهکاری مهم است. بنابراین، این نیروهای اجتماعی هستند که در رابطه با جرم و بزهکاری نقش پررنگی را ایفا می کنند و می‌بایست تأثیر این نیروهای اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد (سیگل، ۲۰۱۱).

کاربرد مفاهیم جامعه شناختی در رابطه با جرم و بزهکاری را می توان در آثار جامعه‌شناسان قرن نوزدهم مانند ال. ای. جی (آدولف) کتله[2] و (دیوید) امیل دورکیم[3] ردیابی کرد. کتله از داده ها و آمارهای اجتماعی برای انجام پژوهش های خود استفاده کرد و همراه با آندره میشل گوری[4] فرانسوی، مدرسه‌ی نقشه نگاری جرم شناسی[5] را تأسیس کردند. وی یکی از اولین دانشمندان امور اجتماعی بود که در اوایل قرن نوزدهم از تکنیک های ریاضی برای بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مانند فصل، آب و هوا، جنسیت و سن بر روی ارتکاب جرم استفاده کرد. نتایج پژوهش های وی حاکی از ارتباط بین عوامل اجتماعی و میزان جرم بود. به طور خاص، کتله دریافت که میزان جرم در فصل تابستان، در مناطق جنوبی، در میان

1. Quetelet
2. Durkheim
3. Guerry
4. Cartographic School of Criminology

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

جمعیت‌های ناهمگن و در بین فقرا و بیسوادان بیشتر است. یافته های او که جرم مبنای اجتماعی دارد، چالش مستقیمی در مقابل جبرگرایی زیستی بوده است (سیگل، ۲۰۱۲: ۱۸۷-۱۸۸).

دورکیم به عنوان یکی از بنیان گذاران جامعه شناسی، جرم را پدیده ای بهنجار و ضروری برای جامعه تعریف می‌کند. در نگاه دورکیم، جرم بخشی از طبیعت انسان است، زیرا در هر شرایطی اعم از فقر و شکوفایی (رونق) وجود دارد. جرم یک پدیده‌ی عادی و بهنجار است زیرا تصور جامعه ای که در آن رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه وجود نداشته باشد، غیرممکن است. دورکیم معتقد است اجتناب ناپذیری جرم، ریشه در تفاوت های (عدم تجانس) اجتماعی دارد. وی استدلال می‌کند که جرم حتی می‌تواند برای جامعه مفید و باعث سلامت آن شود. وجود جرم می تواند راهی برای تغییرات اجتماعی باشد و از این رو، ساختار اجتماعی از حالت جمود و انعطاف ناپذیری خارج خواهد شد. به علاوه، دورکیم استدلال می‌کند که جرم پدیده ای سودمند و باعث جلب توجه عموم به مشکلات جامعه می‌گردد (بیرن و مزراشمیت[۶]، ۲۰۱۱). در ادامه و در بخش نظریه‌های ساختار اجتماعی، نظریه‌ی آنومی دورکیم به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

سیگل (۲۰۱۱؛۲۰۱۲) مسأله‌ی رفتارهای بزهکارانه و پرخطر را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است. هر یک از این دیدگاه‌ها عوامل خاصی را برای بروز بزهکاری در نظر می‌گیرند. برخی از این نظریه‌ها، جرم و رفتار بزهکارانه را بر مبنای ویژگی‌های فردی تحلیل می‌کنند. در این نظریه‌ها، جرم (رفتار بزهکارانه) یک انتخاب داوطلبانه و آزاد است که توسط خود فرد صورت گرفته و کارکرد نابهنجاری روانشناختی یا زیست‌شناختی شخصی یا هر دو می‌باشد. برخی دیگر جرم و رفتار بزهکارانه را از منظر جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسی بررسی می‌کنند. این نظریه‌ها جرم را به عنوان کارکرد ساختار، فرآیند و تضادهای زندگی اجتماعی در نظر می‌گیرند. دسته‌ی سوم نظریاتی هستند که تعدادی از مفاهیمی که رفتار مجرمانه (بزهکارانه) را ورای دوره‌ی زندگی تبیین می‌کند، با هم ترکیب و تلفیق نموده‌اند و به عنوان رویکردهای تکاملی جرم شناخته می‌شوند. در این پژوهش در رابطه با تبیین جامعه شناختی، با ارجاع به دیدگاه سیگل، نظریه‌های جامعه‌شناسی مانند ساختار اجتماعی[۷] فرآیند اجتماعی[۸] تضاد اجتماعی[۹] و نظریه‌های تکاملی(تلفیقی)[۱۰]را مورد بررسی قرار می‌دهیم. رویکردهای زیستی و روانی نیز قبلاً مورد بررسی قرار گرفته اند.

1. Beirne & Messerschmidt
2. Social Structure Theories
3. Social Process Theories
4. Social Conflict Theories
5. Developmental(Integrated) Theories

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

استراتژی‌های رشد مدار و جامعه گرا در پیشگیری از بزهکاری

بیشتر بر پایه الگو های تربیتی مثبت بزرگسالان استوار است و می‌تواند خطر رفتار بزهکارانه را کاهش دهد. در برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری مدل برنامه پیشگیری پزشکی که شامل تشخیص و درمان باشد چندان کارآیی ندارد. بهترین رهیافت در برنامه ریزی استراتژی های هدف گرا و جامعه گرا است. اگر چه باید توجه داشت که یک برنامه هرگز جوابگوی همه جوامع نیست. اما عناصری از برنامه که لازم است مورد توجه قرار گیرند عمدتاً مشترکند. این نقاط مشترک عبارتند از: توجه به افراد در معرض خطر، توجه چند جانبه در مداخله، توجه و حمایت از مجریان برنامه و ارزشیابی برنامه‌های پیشگیری (http://tebyan-zn.ir/society.html) این استراتژی مهارت لازم برای حل مشکل و مشکلات را فراهم می‌کند به طوریکه کودکان قادر باشند به جای برخورد بزهکارانه و متخلفانه مسئله را به طریق درست حل نمایند.

الف) ماهیت پیشگیری اجتماعی رشدمدار

بیش از چند دهه است که دنیا به این نتیجه رسیده است که راه پیشگیری از جرم نمی‌تواند متکی بر پیشگیری وضعی، پیشگیری پلیس محور، پیشگیری کنترل بیرونی و کنترل کیفری باشد، یعنی ما نباید سعی کنیم که از طریق زندان، ارعاب، کیفر و مجازات مانع وقوع جرم شویم. دلیل این موضوع هم این است که زمانی که به بسیاری از کشورهای جهان توجه می‌کنیم، در می‌یابیم که به رغم این‌که تقریبا اکثر کشورهای دنیا سخت‌ترین مجازات‌ها نظیر اعدام را در قوانین موضوعه خود پیش‌بینی کرده‌اند، اما نتوانستند با وجود این کیفر های شدید، جلوی ارتکاب جرایم مختلف حتی جرایم مستوجب مجازات اعدام را بگیرند، این جرایم مختلف به وفور انجام می‌شود و افراد از این‌که مجازات این جرم اعدام است، از انجام آن جرم ابایی ندارند و مرتکب آن می‌شوند.

به همین خاطر از چند دهه گذشته رویکرد سازمان ملل متحد و همچنین رویکرد اکثر نظام‌های حقوقی در دنیا به سمت این موضوع بوده است که ما باید به عوامل اجتماعی موثر در گرایش به جرم توجه کنیم و به ویژه کشورهای مختلف در این رهگذر، به سمت دوران کودکی رفته‌اند. لذا دوران کودکی اساسی‌ترین دوران برای شکل‌گیری شخصیت در افراد و رفتن آنها به راه صلاح یا راه تباهی و انحراف است. از این رو تمرکز دولت‌های مختلف بر پیشگیری اجتماعی رشدمدار بوده است.

به عبارت دیگر نظام‌های حقوقی مختلف در جهان به این نتیجه رسیده‌اند که ارتکاب جرم، یک اتفاق، حادثه و واقعه که ناگهانی رخ دهد، نیست، بلکه یک مسیر و روند است. حتی در صورتی که جرایم اتفاقی را بررسی کنیم، به این صورت که در یک لحظه خاص فردی کنترل خود را از دست بدهد و مرتکب جرمی شود، در صورتی که سوابق زندگی این فرد نیز مورد واکاوی قرار بگیرد و به اصطلاح مورد بررسی‌های جرم‌شناسی بالینی قرار بگیرد، آن وقت می‌توان دریافت که اساسا این موضوع که شخصی در لحظه‌ای کنترل خود را از دست بدهد یا این‌که فرد به طور ناگهانی چنان دچار هیجان و واکنش غیرقابل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

پیش‌بینی شود، به طوری که مرتکب جرم شود، روندی است که در دوران کودکی پشت سر گذاشته است. (محمدزاده، ۱۳۹۱)

برای مثال، فردی که واکنش ناگهانی را از خود بروز داده است، در صورتی که بر اعصاب خود تسلط کافی داشته باشد و مهارت‌های حل مساله را در روابط فردی آموخته باشد، هر مساله ناخوشایندی برای وی اتفاق بیفتد، به جای این واکنش هیجانی و انفجاری، یک واکنش مبتنی بر راه‌حل از خود نشان می‌دهد و با هر مساله‌ای به عنوان یک مشکل قابل حل و مشکلی که اساساً جدا از شخصیت اوست، برخورد می‌کند و آن مشکل را حل خواهد کرد.

به این ترتیب رویکرد اساسی پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد و کشورهای پیشرفته دنیا که در حوزه‌های پیشگیری از جرم کار کرده‌اند، رویکرد پیشگیری اجتماعی رشدمدار است. (قایمی، ۱۳۸۶:۱۰۴)

ب) پیش گیری از بزهکاری ونقش مدرسه در آن

آموزش و پرورش مطلوب، یعنی آموزش و پرورشی که مشارکت و تفکر انتقادی را در کودک تقویت کند و با ارزش های مربوط به شأن و شرف آدمی عجین شده باشد، این قدرت را دارد که جامعه ها را در طول نسلی واحد دگرگون سازد. به علاوه تأمین شدن حق هر انسان در بهره مندی از تعلیم و تربیت موجب محافظت او از خطرهای گوناگون می شود؛ از جمله زندگی مقرون به صرفه.

در رابطه با جرم می توان گفت: یکی از عوامل بسیار عمده در عدم تطابق فرد با ارزش ها و هنجارهای جامعه، عدم آشنایی او با این ارزش ها و معیارها و به عبارت دیگر، عدم جامعه پذیری صحیح یا نقایص فرایند جامعه پذیری او می باشد. بعد از خانواده، مدرسه نقش مؤثری در جامعه پذیری شایسته فرد دارد. آموزش و پرورش از جمله خدمات عمومی است که تک تک افراد جامعه باید از آن بهره مند شوند.

در ارتباط با اهمیت حق برخورداری از آموزش و پرورش همین قدر کافی است که بدانیم بین فقر و بی سوادی و محرومیت رابطه مستقیمی وجود دارد. (آقایی، ۱۳۸۱: ۲۳۶)

نکاتی را که در امر آموزش و پرورش بخصوص مدرسه باید به آنها توجه نمود عبارتند از:

- متون درسی
- چگونگی تدوین برنامه درسی
- رابطه معلم ـ دانش آموز
- تشویق و تنبیه
- رسیدگی به مشکلات مدرسه
- برنامه ریزی اوقات فراغت.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۱ـ درونی شدن ارزش های اجتماعی در کودکان

محققان ثابت کرده‌اند که پیشگیری از بزهکار شدن کودکان و نوجوانان در دوران کودکی نقش به سزایی در ریشه‌کن کردن جرم در دوران بزرگسالی فرد دارد. یکی از مهمترین این موضوع ها، عوامل گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری است. براین اساس نظام‌های حقوقی مختلف در سراسر دنیا با پیش‌بینی ساز و کارهای قانونی و اجتماعی برای خشکاندن ریشه‌های فردی و اجتماعی گرایش خردسالان به بزهکاری کوشیده اند.

هر جامعه‌ای در دنیای امروز بخش مهم و قابل توجهی از توانایی خود را مصروف تامین سلامت زندگی اجتماعی می کند و یکی از مهمترین ابعاد سلامتی زندگی اجتماعی و فردی، تلاش برای پیشگیری ازوقوع جرم است. برنامه‌ریزان در کشورهای مختلف تمرکز اساسی بر حوزه پیشگیری از جرم دارند. به طوری که مکتب‌های مختلف جرم‌شناسی و پیشگیری از بزهکاری رویکردهای متفاوتی را در این زمینه در پیش گرفته‌اند.

۲ـ جایگاه آموزش و پرورش در پیشگیری از جرم رشد مدار

یکی از اساسی‌ترین بخش‌های پیشگیری رشدمدار، توجه به جایگاه آموزش و پرورش در پیشگیری از جرم است. سرمایه‌گذاری جدی و اساسی در کشورهای مختلف در باره پیشگیری از جرم صورت گرفته است. از لحاظ نظری این‌که آموزش و پرورش چه جایگاهی را در عرصه پیشگیری از جرم می‌تواند داشته باشد، به این صورت قابل تبیین است. اساسا ارتکاب جرم یعنی نقض هنجارهای اجتماعی، بروز رفتار ناهنجار از فرد و انحراف از معیارهای مقبول اجتماعی. این خمیر مایه اولیه جرم است. این‌که فردی مقررات اجتماعی را نقض می کند بعد در نوع شدید خود نقض مقررات کیفری تلقی می‌شود.

به عبارت بهتر جرم، نقض آن دسته از مقررات اجتماعی است که جامعه برای آن ضمانت‌اجرای کیفری پیش‌بینی کرده است و آن رفتار را در حقیقت با مجازات جزا می‌دهد. حالا چگونه می‌شود که فردی ارزش‌های اجتماعی را یاد می‌گیرد، آنها را درونی می کند ودر نهایت خود را با این ارزش‌های اجتماعی وفق می‌دهد و در نتیجه مرتکب جرم نمی‌شود؟ براساس توالد و تناسل انسان‌های جدیدی وارد جوامع می‌شوند و به عنوان اعضای جدید جامعه باید ارزش‌های جامعه به آنان آموزش داده شود و باید آنان این ارزش‌های اجتماعی را یاد بگیرند و در خود درونی کنند. یعنی علاوه بر این‌که آن ارزش‌ها را یاد می‌گیرند، آنها را بپذیرند و اجرا کنند.

در این جا اولین نهادی که می‌تواند در انتقال ارزش‌های اجتماعی به اعضای جدید جامعه موثر باشد، خانواده است که طبیعتاً کودک زمانی که به دنیا می‌آید، اولین محیط اجتماعی که وی در آن پا می‌گذارد، خانواده است. در این گروه کوچک اجتماعی کودک ارزش‌های اجتماعی را در قالب رفتار، گفتار و عملکرد پدر و مادر و به طور کلی سلوک زندگی خانوادگی را یاد می‌گیرد. اما از آن‌جایی که اصولا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ممکن است پدر و مادر در زمینه تعلیم و تربیت متخصص نباشند و شاید حتی خود پدر و مادر طفل ارزش‌های اجتماعی را ندانند یا به آنها عمل نکنند و یا شخصیت آنان یک شخصیت ساخته‌شده و کاملی نباشد که عمدتاً هم خانواده‌ها در جامعه ما این‌گونه هستند، بزرگ می شوند، به سن ازدواج می‌رسند و ازدواج می‌کنند و اسمشان پدر و مادر می‌شود، بدون این‌که از توانایی لازم برای پدر و مادر بودن برخوردار شوند. یعنی قابلیت‌ها و مهارت‌های لازم برای پدر و مادر بودن را آموزش ندیده‌اند.

نخست این که، پدر و مادر تخصص لازم برای تربیت و آموزش کودکان خود را ندارند و دوم این که روش انتقال مفاهیم اجتماعی به کودکان را نمیدانند و از طرف دیگر خودشان دارای سطوح مختلف تربیتی و آموزشی بوده‌اند. مثلاً فرض کنید که پدر و مادر شخصی سطوح بالای تحصیلی را طی کرده است. در این صورت فرزند زیرنظر این دسته از والدین بزرگ می‌شود و ارزش‌های اجتماعی را به گونه‌ای خاص از آنان دریافت می‌کند و در عمل آنان می‌بیند. از طرف دیگر ممکن است کودکی باشد که از والدین بی‌سواد متولد شده باشد. وی بزرگ می شود و جامعه‌پذیری خاص دیگری را تجربه می کند. به همین خاطر دولت‌ها و جوامع برای آن‌که یک ساز و کار واحد و منظمی برای انتقال ارزش‌های اجتماعی به کودکان فراهم کنند، نهادی را به نام آموزش و پرورش تعریف کرده‌اند آموزش و پرورش هم این وظیفه را دارد که ارزش‌های اجتماعی را به کودکان و نوجوانان منتقل کند. شاید مهمترین اثر آموزش و پرورش را این بدانیم که دولت‌ها آن را به عنوان راهکاری برای انتقال ارزش‌های اجتماعی به نسل جدید مقرر کرده‌اند. (محمدزاده، ۱۳۹۱)

در قانون تاسیس آموزش و پرورش در کشور ما نیز به خوبی معین شده است که هدف از آموزش و پرورش صرفاً این‌که کودکان خواندن و نوشتن یاد بگیرند، نیست.

این موضوع در ماده ۱ قانون تاسیس آموزش و پرورش آمده است و در آن بر این موضوع تاکید شده است که رساندن کودکان از لحاظ شکوفایی استعداد و توانایی‌ها به حدی که به عنوان یک فرد موثر بتوانند در جامعه ایفای نقش کنند، یعنی وظیفه تعلیم و تربیت به عهده آموزش و پرورش گذاشته شده است. در ماده ۱ قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش در کشور ما تصریح شده است که هدف و در واقع مسئولیت آموزش و پرورش علاوه بر سوادآموزی، رشد فضایل اخلاقی، تزکیه در دانش‌آموزان، تبیین ارزش‌های اسلامی و پرورش دانش‌آموزان براساس آنها، شناخت، شکوفا کردن و پرورش استعدادهای دانش‌آموزان، تقویت روحیه تحقیق و ابتکار و فعالیت، توجه نداشتن صرف به مدارک تحصیلی از جمله اهداف آموزش و پروش تبیین شده است. (قانون تاسیس آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران)[۱]

در رابطه با پیشگیری از بزهکاری و آموزش و پرورش و مدرسه مطالب زیادی قابل بحث است اما به اختصار به مواردذیل اشاره می شود که در این حوزه باید مورد توجه قرار گیرند:

۱. قانون تاسیس آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۱- آموزش باید همراه با پرورش باشد تا شاگردان ضمن کسب علم و تخصص افرادی با فرهنگ و شخصیت بار آیند و منافع اجتماعی را به منافع شخصی خویش مقدم بشمارند.
۲- نقش مدرسه آموزش است و این آموزش باید شامل درس زندگی برای آینده نیز باشد.
۳- در مدارس باید حس سازگاری و روحیه اجتماعی افراد را پرورش داده و آنها را برای احترام گذاشتن به حق و حقیقت، فداکاری به خاطر افراد دیگر مخصوصاً به خاطر جامعه آموزش دهند.
۴- همکاری های خانه و مدرسه را باید به صورت فعال درآورد، زیرا از این راه است که می توان آموزش و پرورش را به صورت یک اقدام اجتماعی درآورد.
۵- باید مدارس پشتیبانی و همکاری والدین را در ایجاد وحدت و هماهنگی بین ارزش‌های تربیتی خانه و مدرسه و همچین در برنامه ریزی برای مواجهه با مشکلات کودکان و نوجوانان به دست بیاورند.
۶- برای تشخیص و شناخت مسائل آموزش و پرورش باید از همه دست اندرکاران آموزش و پرورش کمک گرفت با انجام تحقیقات و مطالعات وسیع در مورد نیازها و مسائل جوانان در رفع مشکلات کوشید.
۷- باید برای رفاه حال معلمان اقدامات مفیدی صورت گیرد تا گرفتاری‌های زندگی آنان اختلالی در انجام وظایف شان به وجود نیاورد.

راهکارهای بهبود کارکرد خانواده در پیشگری از بزهکاری کودکان

جامعه و دولت علاوه بر رسالتی که جهت کمک به خانواده‌ها جهت تربیت کودکان بر عهده دارد خود نیز وظایفی به صورت مستقیم در قبال کدکان و به خصوص کودکان مشکل‌دار دارد. از جمله نحوه برخورد و مددرسانی به اطفال و نوجوانان مشکل دارد. . که در اینجا به بررسی این موضوعات با استناد به اسناد و مقررات بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک همراه با رایه پیشنهادها پرداخته خواهد شد.

الف ـ آموزش خانواده‌ها نسبت به حقوق و نیازهای کودکان

با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت در کانون خانوادگی، ضروری است که توسط افراد متخصص در امر تعلیم و تربیت از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی و رسانه‌های جمعی به والدین اطلاعات و آموزش لازم در خصوص رفتار صحیح با فرزندان داده شود. ضمن این که باید گفت دفاتر مشاوره خانوادگی نقش مهمی در این امر دارند. لازم است چنین دفتاری در هر مرحله ایجاد شود به گونه‌ای که هم کودکان و هم خانواده‌ها به راحتی به آن‌ها دسترسی داشته باشند. هم‌چنین بسترسازی فرهنگی و اجتماعی جهت آموزش خانواده‌ها مانند استفاده از فیلم، نمایش، تئاتر، نقاشی و موسیقی توسط رسانه‌های گروهی به ویزه رادیو و تلویزیون و نیز سازمان‌های غیر دولتی که در راستای آموزش و بهبود روباط خانوادگی عمل می‌کند ضروری بوده و در ارتقاء کارکرد تربیتی و اجتماعی کردن خانواده‌ها حائز اهمیت فراوان است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بدیهی است که ارائه هر گونه برنامه‌ای در این خصوص از سوی رسانه‌های گروهی (رادیو، تلویزیون و مطبوعات) و به خصوص تلویزیون که از حداکثر مخاطب برخوردار است، باید به گونه‌ای منظم و مستمر و نه به طور موردی و مقطعی انجام پذیرد. (اکبری، ۱۳۸۰: ۴۲)

باید توجه داشت که اضمحلال خانواده صرفاً به معنای از هم پاشیدگی مادی نیست بلکه از هم پاشیدگی معنوی یعنی با وضعیتی که با وجود دور هم بودن اعضا خانواده از لحاظ جسمی نه تنها کارکردهای مثبت خانواده زایل گردیده بلکه خود به کانونی خطرناک تبدیل شده است که به طور مستقیم کودکان را به ورطه انحراف و بزهکاری می‌کشاند نیز می‌باشد به خاطر همین اهمیت معنوی خانواده‌ها است که وضعیت کودکان درموارد انحلال مادی و یا اضمحلال معنوی خانواده مورد توجه اسناد بین‌المللی حقوق کودک واقع شده است. به موجب این اسناد در ضصورت از هم‌پاشیدگی خانواده اصلی کودک دولت‌ها مکلفند این گونه کودکان را مورد حمایت قرار دهند و مراقبت‌های جایگزین دیگر را از جمله کفالت، فرزندخواندگی و یا اعزام به موسسات مناسب مراقبت از کودکان برای آنان فراهم نمایند.

ب) حمایت از کودکان متعلق به خانواده‌های بدسرپرست

خانواده‌هایی هستند که کودکان و نوجوانان در آن‌ها احساس آرامش نمی‌کنند. خانوادهایی که نسبت به فرزندان خود خشونت فیزیکی و روانی اعمال می‌کنند. خانواده‌هایی که والدین یا یکی از آن‌ها معتاد هستند و یا در معرض از هم‌پاشیدگی و طلاق قرار دارند. در چنین مواردی باید به «مراجعه خاص» جهت اصلاح خانواده و یا نگهداری مؤثر از فرزندان آن‌ها متوسل شد

لازمه هر گونه اقدام در این زمینه، آگاهی از وجود چنین اوضاع خطری در خانواده‌ها است. این امر ایجاد یک سیستم اطلاع‌رسانی دقیق در این خصوص را ضروری می‌سازد. همه اعضای جامعه از هر قشری، کودکان و نوجوانان همگی باید از وجود نهادهای خاص حمایتی از کودکان نظیر کمیسر کودکان، پلیس کودکان و سازمان‌های غیردولتی که در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کنند آگاه باشند تا بتوانند به راحتی با آن نهادهای ارتباط برقرار کرده و وضعیت خطرناک کودکان و نوجوانان را تشریح کنند. (اکبری، ۱۳۸۰: ۴۵)

مراکز ارائه مشاوره و راهنمایی، در مواردی که خانواده‌ها دارای فرزندان کم سن و سال و یا نوجوان هستند و در عین حال به خصوص از نظر عاطفی در وضعیت آشفته‌های به سر می‌برن و یا در معرض از هم پاشیدگی قرار دارند از جمله مراجع خاصی هستند که می‌توانند در جهت اصلاح وضعیت این خانواده‌ها اقدام نمایند. این مراکز می‌توانند به والدین کمک کنند تا مسایل خاص مربوط به دوره جوانی را درک کرده و به نحو مناسبی به آن‌ها پاسخ دهند و اینکه چگونه به فرزندان خود کمک کنند تا از فشارهای منفی گروه همسالان دوری نمایند. همچنین می‌توانند در خصوص خانواده‌هایی در معرض از هم پاشیدگی هستند از طریق کمک به والدین برای رسیدن به توفاق‌های مورد قبول دو طرف در خصوص تمکین،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

حضانت و سایر امور پیچیدهٔ خانوادگی، در خارج از چهارچوب طلاق اثرات نامطلوب از هم‌پاشیدگی خانوادگی را به حداقل برسانند. وجود چنین نهادهایی در جامعه در سطحی فراگیر می‌تواند مانع از فرار کودکان و نوجوانان از خانه و گرفتار شدن آن‌ها در دام افراد یا گروه‌های مجرم و در نهایت سوءاستفاده از آن‌ها گردد. (قائمی، ۱۳۸۶، ۹۷)

با وجود این بسیاری از اوقات مشکلات دورن خانواده (به خصوص اعمال خشونت‌های فیزیکی و روانی) باعث می‌شود تا نوجوانان قبل از موقع طبیعی خانه را ترک کنند. در نتیجه ممکن است بی‌خانمان گردیده و حتی برای حظ بقا مرتکب جرم شوند از این رو، اتخاذ سیاست‌هایی برای فراهم آوردن امکانات لازم برا این گونه کودکان، سیاست‌های اجتماعی مهمی برای پیشگری از وقع جرم محسوب می‌شوند.

واکنش‌های راهبردی نسبت به کودکان فراری عمدتاً باید بر تدارک مراکز مخصوص جوانان همراه با ایجاد سرپناه‌های اضطراری و دسترسی به اماکن شبانه‌روزی برای مدت طولانی‌تر و نیز بر تلاش برای بازپیوستن آن‌ها به خانواده‌های خود و منصرف نمودن کودکانی که قصد فرار از خانه را دارند متمرکز شود و علاوه بر این با توجه به حق کودک به حمایت در مقابل والدین بدرفتار، قبل از آنکه در مورد امکان بازگشت او به خانه و خانواده تصمیم گرفته شود دلایل ترک خانه باید به دقت مورد بررسی قارر گیرد تا مشکلات موجود بر طرف شده و تفاهم بین خانواده و فرزند حاصل شود تا فرزند بعد بازگشت به خانه مجددا با خانواده خود درگیری و تنش نداشته باشد. همچنین باید به نوجوانان فراری سایر خدمات از قبیل مشاوره، آموزش مهارت‌های حفظ حیات و کم برای کریابی ارائه گردد. از این رو، لازم است مددکاران اجتماعی در مجاورت مراکز کلانتری‌های مربوط به هر محل مستقر شوند به نحوی که بتوانند کمک‌های فروی را به شکل مداخله در بحران ارایه نمایند. (صلاحی، ۱۳۸۹: ۱۸۹)

در صورت عدم موفقیت مراجع مربوطه در اصلاح خانواده‌ها و در نتیجه، عدم امکان بازگشت کودکان و نوجوانان به خانواده‌های آنان باید بر فراهم آوردن جانشین‌های مناسب تلاش نموده که رایج‌ترین آن‌ها سرپرستی اطفال می‌باشد. به عنوان مثال بند ۱۴ از رهنمودهای ریاض در این رابطه اظهار می‌دارد: «در مواردی که در محیط خانوادگی ثبات و استواری وجود ندارد و در صورت عدم موفیت تلاش‌های جامعه برای مساعدت به والدین در این راستا و نیز در صورت عدم امکان ایفای این نقش توسط خانواده‌ای گسترده باید به مراقبت‌های جایگزین از جمله نظام شبه خانواده و فرزند خواندگی متوسل شد. این گونه اسکان‌های جایگزین باید در حد امکان منعکس کننده محیط خانوادگی ثابت و استوار و در عین حال پدید آورنده احساس تدوام در کوکان باشد تا از مشکلات مربوط به تغییر مکان دادن مرتب کودکان [و روبرو شدن آن‌ها با سرپرست‌های مختلف] احتراز شود. » این در حالی است که بند ۱۷ از این رهنمودها نیز مقرر می‌دارد: «باید در جهت ارتقای انسجام و سازگاری و جلوگیری از جدا شدن فرزندان از والدینشان اقداماتی صورت گیرد، مگر اینکه شرایط که بر سلامت و آینده کودک مؤثر هستند گزینه مناسب دیگری را ممکن نسازند».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

سرپرستی اطفال شامل اسکان کودکان در مراکز (موسسات) دولتی، نصب سرپرست (قیم و یا پدر و مادر خوانده) و خانواده گسترده که بیشتر برای کودکان بزرگتر مناسب است می‌باشد. در خصوص نصب سرپرست، باید قواینن دقیق و کارآمدی وضع شود و مسئولین اسکان کودک خانواده‌های علاقه‌مند و شایسته برای نگهداری از کودکان را شناسایی کرده و کودکان و نوجوانان نیازمند سرپرست تحت حمایت‌های مالی و آموزشی قرار گیرند. به عنوان مثال « در فیلیپین ارتباط بین خانواده‌های از پاشیده و بدسرپرست با بزهکاری نوجوانان به دلیل حمایت‌هایی که از آن‌ها شده و دارای ساختار اجتماعی قوی در جهت حمایت از نوجوانان در معرض خطر است کاهش یافته است» (shoemaker, 2015).

در همین رابطه، خانواده گسترده که ممکن است شامل والدین جانشین باشد و از فشار گروه همسالان برای اعمال نظم و کنترل استفاده کند می‌تواند مأمنی را فراهم آورد که در آن اعضای گروه می‌توانند روابط جدیدی را بنا نموده، نوعی از عزت نفس را به دست آورده و با استقلال عاطفی و مالی برسند. اساس مفهوم خانواده گسترده، حمایت از افراد جوان در معرض خطر از طریق تلفیق ثبات زندگی خانوادگی با عناصر کمکی تحصیلات، آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و اشتغال بوده و ریشه در خود اجتماع دارد. (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۱۲۵)

ضرورت قضازدایی از جرایم کم اهمیت کودکان و نوجوانان

با توجه به بررسی به عمل آمده در مورد آثار و نتایج ورود اطفال و نوجوانان به روند محاکمه و نیز نظریات مختلف جامعه‌شناسی مانند نظریه عمویم یادگیری جرم و نظریات جرم‌شناسی مانند نظریه برچسب‌زنی وارد شدن اشخاصی که در مراحل رشد عقلانی و جسمانی هستند مانند کودکان و نوجوان، در روند طولانی دستگاه جزایی به دلیل اتهام بزهکاری، علاوه بر آثار و مجازات‌هایی که برا طفل در نظر گرفته می‌شود باعث بدنامی طفل در همان سنین آغازین زندگی او شده و موجب تشدید خودپنداری مجرمانه کودکان می‌شود. در این مورد نظر یک پژوهشگر جالب توجه است، به گفته تانن بام: «کل فرآیند برخورد با بزهکاران جوان به قدری مضر است که آن‌ها را به خودشان و و محیط اطرافشان به عنوان یک شخص مجرم می‌شناساند.» (اکبری، ۱۳۸۰: ۵۳) اکنون این سوال مطرح می‌شود که در غیر از موارد جرایم بزرگ و غیرقابل اغماض نظیر قتل و تجاوز به عنف آیا عدالت کیفری کودکان ایجاب نمی‌کند که سیاست جنایی در سایر موارد از جرایم این گروه سنی «جرم زدایی» یا «قضازدایی» و یا «کیفرزدایی» کرده و به نقش و کارکرد خانواده‌ها در مورد تربیت اطفال در معرض خطر بها و اهمیت و آن‌ها در این راه کمک کند؟

در واقع پیامدهای احتمالی و منفی فرآیند رسیدگی جزایی باور لازم بودن مداخله قضایی در نخستن گام را تحت الشعاع قرار می‌دهد این نکته به معنا است که بدنامی ناشی از مداخله رسمی دستگاه جزایی از یک طرف و از طرف دیگر محیطی که نوجوان بعد از صدور حکم دوران محکومیت خود در آن می‌گذراند که در واقع می‌توان گفت از بعضی جهات یک محیط آموزشیو و یادیگری انواع راه‌های انجام کارهای

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

منحرفانه و مجرمانه است، به خوبی می‌تواند افراد جوان را به سوی فعالیت در نوعی پیشه مجرمانه سوق دهد. با این توضیح که، رفتارهای مجرمانه را می‌توان به منزله نقشی در نظر گرفت که اجتماع آن را به افراد تحمیل کرده یا نسبت می‌دهد.

برای اینکه از چنین تالی فاسدی که درگیر شدن یک نوجوان در روند قضایی در پی دارد اجتناب کنیم باید نقش عوامل کنترل اجتماعی که نمونه بارز آن خانواده می‌باشد را در فرآیند بزهکاری ـ که در صورت عدم شناسایی این عوامل و اشخاصی که اختیار کنترل و اصلاح رفتار مجرمانه را در درست دارند، درک کامل رفتار مجرمانه امکان پذیر نیست و نیز باید نقش «جایگزین‌های نهادهای پیش از محاکم» مانند نهادهای مدنی، اجتماعی جهت رسیدگی به اتهامات نسبتاً کم اهمیت کودکان و نوجوانان بدون درگیر کردن این قشر کم سن و سال با فرآیند طولانی و پیچیده محاکمه قضایی بسیار مهم است را بشناسیم. (فرجاد، ۱۳۸۳: ۹۷)

اسناد سازمان ملل نیز در این زمینه در مورد درگیر شدن اشخاص کم سن و سال در پروسه عدالت کیفری در احتمال برچسب‌زنی به کودکان و نوجوانان هشدار داده و برچسب زنی به هر عنوان را برای طفل خطرناک توصیف نموده است ماده ۵ رهنمودهای ریاض[2]مقرر می‌دارد «باید آگاهی داشت که به عقیده کارشناسان برچسب‌زنی زیر عناوی منحرف، بزهکاری باالفطره به یک شخص جوان غالباً موجب می‌شود که الگوی رفتاری ثابت و ناپسند برای جوان پدید آید». باتوجه به آثار مهم برچسب‌زنی جهت فهم بهتر موضوع به طور خلاصه بخش‌هایی از نظریات برچسب‌زنی آورده می‌شود.

نظریه برچسب‌نی به تاثیری که مداخله رسمی نیروی انتظامی دادگاه و موسسات تادیبیف اصلاح و تربیت برآیند جوانانی که در اختیار قانون گرفته‌اند توجه دارد. تاکید این نظریه بیشتر در مورد شکل‌گیری پیشینه تبهکارانه است تا علت آغازین یک عمل مجرمانه. مطابق این نظریه جوانان به دلایل مختلفی ممکن است قانون را نقض کنند، اگر این رفتار مجرمانه به وسیله مجری قانون و یا مسئولان مدرسه و یا خانواده کشف شد یک برچسب اجتماعی منفی به او اعطا خواهد شد که ممکن است در تمام طول زندگی همراهش باشد. (ریموند، ۱۳۹۰: ۱۷۶)

اینکه کودکان تا چه حد به عنوان مجرم تصور می‌شوند می‌تواند بر رفتار آن‌ها در خانه، محل کار و مدرسه تاثیر بگذارد. نتیجه این برچسب زنی این است که آن‌هایی که در معرض ضمانت اجراهای اجتماعی منفی هستند یک حالت خود طردی و خودانگاری پست‌تر را تجربه می‌کنند این حالت هم منجر به سستی تمایل شخص نسبت به ارزش‌ها و رفتارهای قراردادی می‌شود و هم موجب تحصیل انگیزه‌های انحراف از هنجارهای اجتماعی می‌گردد و ممکن است این هویت نو را با روان خود پیوند بزند. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۷۶)

بررسی راهکارهای قضازدایی از بزهکاری کودکان

---

1. United nation Rules for the protection of juvenile deprived of liberty, 1990

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

در اینجا منظور این نیست که خاصیت جرم بودن عملی را از آن سلب کنیم بلکه هدف آن است که از را موزون سازیم یعنی در اکثر موارد از شدت مجازات بکاهیم و یا خاصیت کیفری مجازات را از آن سلب نمایم.

یکی از جلوه‌های سیاست جنایی کوشش برای اجتناب از تماس افراد بزهکار با مراجع عدالت کیفری است. آنچه که روش‌های «رسیدگی انصرافی» نام گرفته عبارت است از روش‌های مختلفی که ابتدا در مورد اطفال و به منظور جلوگیری از محاکمه آن‌ها در دادگاه‌های اطفال به کار گرفته شده است. (لازژر، ۱۳۸۲: ۷۶)

در حقوق ایران علیرغم اینکه در چند مورد از جمله در ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات دادگستری مصوب ۱۳۵۵ در مورد موقعیت داشتن تعقیب احکامی را بیان نموده است اما هیچ‌گاه به دادستان این اختیار را نداده است که در صورتی که متهم کودک باشد عدم تعقیب او نسبت به سایر افراد اولویت باشد بلکه ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌های از مقررات دادگستری مصوب سال ۱۳۵۵ و ماده ۴۰ مکرر ایین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۵۳ به مقام تعقیب تنها در صورت حصور شرایط خاص از جمله اینکه متهم اقرار کند و سابقه کیفری نداشته باشد و نیز شاکی یا مدعی گذشت کند.

در این صورت مقام تعقیب می‌تواند اقدام به تعلیف متهم جرم نماید البته هر چند که نهاد تعریف تعقیب با قضازدایی متفاوت است اما می‌توان گفت که در تقریبا از لحاظ هدف و نتیجه یکی هستند که آن نیز باز نشدن پای کسی به روند دادرسی که ضرر آن به فرد بیشتر از منافع آن می‌باشد.

امکان تعقیب متهم جرم توسط دادسرا یا دادگاه با ملاحظه شخصیت، منش وضع اجتماعی و تحصیلی متهم و اواضع و احوال وقوع جرم به شری که متهم شاکی یا مدعی خصوصی نداشته باشد در ماده ۱۵ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۷۸/۴/۱ پیش‌بینی شده است که متاسفانه با گذشت بیش از ده سال از زمان تصویب این لایحه هنوز به صورت قانون در نیامده و در نتیجه اجرایی نمی‌باشد. همچنین در ماده ۱۷ ـ ۱۲۲ ـ لایحه دادرسی کیفیری مصوب ۱۳۸۷/۹/۲۳ تعلیق تعقیب متهم توسط دادستان در صورت حصول شرابط خاصی پیش‌بینی شده که این لایحه هم تاکنون به تصویب نرسیده است. در ماده ۳۲ و ۳۳ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۷۸/۴/۱ قضازدایی از انحرافات اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده استکه بر اساس این مواد در صورت ارتکاب فعل منحرفانه، طفل به والدین و یا سرپرست قانون با اخذ تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اختلاف تسلیم خواهد شد. یا، طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس معرفی خواد شد، یا طفل یا نوجوان منحرف به موسسات فرهنگی و آموزشی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی فرستاده خواهد شد، که هنوز به تصویب نهایی نرسیده است.

در نتیجه با قوانین فعلی واضح است که حتی اگر کودکی که برای اولین بار متهم به ارتکاب جرم خفیفی است او نیز باید روند طولانی رسیدگی‌ها و تحقیقات جزایی را طی کند تا در مورد آن حکم قضایی صادر و تعیین تکلیف شود. اما در حقوق خارجی اقدامات زیادی جهت ممانعت از ورود طرف به پروسه قضایی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

صورت گرفته به عنوان مثال در کانادا نوعی قضازدایی پیشنهاد شده که با رهانیدن متهم از فرآیند صلاحیت کیفری از طریق رسیدگی‌های انصرافی می‌توان با او برخوردهای مدنی، اداری، تربیتی و به ویزه اجتماعی داشت. بدین ترتیب در این کشور تنها جرایم مهم در صلاحیت دادگاه‌ها قرار می‌گیرند.

«جایگاه مجزای بزهکاری نوجوانان در کشور آمریکا مبتنی بر «نظریه قیمومت حکومی» است. بر اساس این نظریه کودکان را نمی‌توان همچون بزرگسالان در موقع ارتکاب بزه گناه‌کار دانست و آن‌ها را مجازات کرد. اقدام علیه آن‌ها بیشتر اقدام مدنی است که بر نیاز آن بر درمان تاکید می‌کند.» (معظمی، ۱۳۸۸: ۶۲)

حقوق آلمان نیز در این زمینه نمونه قابل توجهی را ارائه داده است در این کشور جنبه کیفری از برخی از جرایم کم اهمیت سلب گردیده است و قانونگذار آن‌ها را صرفاً به عنوان جرایم علیه نظم تلقی و به عنوان ضمانت اجرا برای آن‌های جزای نقدی منحصر اداری در نظر گرفته است. (آشوری و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۰: ۵۵)

به آنچه گفته شده می‌توان اقدامات میانجیگری (میانجی‌گری فرآیند است که به موجب آن یک میانجی به وساطت بین بزهکار و بزهدیده می‌پردازد تا بتواند با گفتگوی مستقیم به حل اختلاف میان این دو بپردازد) (شیری، بی‌تا: ص ۱۴) را افزود که اخیراً در آمریکای شمالی تحت تأثیر جرایانات مختلف توسعه قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده سات، در آمریکا مشاوره به عنوان یک سیستم درمانی و پیشگری از انحرافات نوجوانان از اواسط سال ۱۹۹۰ به بعد رشد قابل ملاحظه‌ای داشته به طوری که از سال ۹۶ تا سال ۲۰۰۰ اداره قضایی پیشگیری نوجوانان بیش از ۴۰ میلیون دلار صرف برنامه‌های مشاوره‌ای کرده است. در سال ۲۰۰۴ کنگره آمریکا این مبلغ را به ۱۰۰ میلیون دلار رساند در حالی که این مبلغ در سال ۲۰۰۳ به میزان ۴/۲۷ میلیون بوده است. این اقدامات به ویژه به منظور آشتی دادن مجنی‌علیه با واردکننده خسارت، حل اختلاف بین همسایگان و رفع «موقعیت‌های تعارضی» به دور از توسل به سازمان و آیین رسیدگی قضایی و در سایل اقدامات داوطلبانه و یا مداخله انجمن‌های مذهبی صورت می‌پذیرد. (Blechman, 2015: 454-456) در میان تدابیر مختلفی که دادسرا در مرحله تعقیب در نظر می‌گیرد طبق آمارهای موجود میانگی گری و جبران سخارت کیفری که به ابتکار دادسرا انجام می‌گیرد بیش‌ترین افزایش را در میان سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ در ارتباط با جرم‌های ارتکابی کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال داشته است. (کردعلیوند، ۱۳۸۱: ۷۷)

طبق قوانین کیفری روسیه روش‌های سازش و مصالحه در جرم‌هایی که مجازاتشان از ۲ سال زندان تجاوز نمی‌کند اعمال شدنی است این رقم در بزه‌های کودکان به ۵ سال افزایش می‌یابد. همچنین طبق مواد ۸ و ۹ و شق نخست ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری روسیه به کار گیری روش‌های سازش و مصالحه در پرونده‌های کیفری جزیی یا کم اهمیت (جرایم خرد) پذیرفته شده است. در پرونده‌های کودکان و نوجوانان نیز می‌توان از تدابیر سازش به عنوان سازوکاری برای جانشین کردن تدابیر آموزشی به جای تعقیب کیفری استفاده کرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

قانونگذار ایالات هم پرداخت جزای نقدی را در برخی از امور خلافی از سوی متهم پیش‌بینی نموده است. (آشوری، ۱۳۷۶)

علاوه بر حقوق داخلی کشورها اسناد بین‌المللی مربوط با حقوق کودکان و نوجوانان از جمله کنوانسیون حقوق کودک و رهنمودهای ریاض و مقررات پکن قواعدی را در زمینه قضازدایی در مورد اتهامات کوکان و نوجوانان وضع کرده است در این خصوص بند ب از قسمت ۳ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک قابل توجه است که دولت‌ها را در جهت بازسازی کودکان متهم موظف به «کوشش برای حل مسائل بدون دخالت دادگاه ولی اکیداً بر پایه رعایت حقوق بشر و قوانین مدنی» نموده است.

در مورد قضازدایی از جرایم کودکان و کوشش در جهت رسیدگی‌های غیرقضایی به اتهامات کودکان رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان موسوم به مقررات پکن هم قابل توجه است ماده ۱۱۱ مقررات پکن مقرر می‌دارد که « رسیدگی در جایی که نهادهای مربوط به اطفال موجود است رسیدگی به امور مجرمان نوجوان در هر جا که اقتضا دارد باید توجه کافی نمود که مقام‌های صالح (دادگاه، دادسرا، هیات شورا و از قبیل) برای محاکمه رسمی متوسل نگردد» ضمن اینکه هر گونه قضازدایی و تغییر مسیر که متضمن رجوع به سازمان‌های اجتماعی یا سایر خدمات باشد باید با رضایت نوجوانان صورت بگیرد. (ماده ۱۱-۳ مقررات پکن)[۱۳]

نتیجه‌گیری

جرم و بزه به عنوان یک پدیده اجتماعی همانند دیگر پدیده های اجتماعی، دارای ابعاد مختلفی است و عوامل متعددی می‌تواند در پیدایش آن نقش داشته باشد و به همین دلیل، تغییر و تحول پدیده‌های اجتماعی به کندی صورت می‌گیرد. بنابراین، اگر محیط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در میزان بزه تأثیر مستقیم دارد، به صرف تشدید مجازات برای مجرمان یا برخورد شدید با آنان یا ایجاد رفاه اقتصادی و بالابردن سطح معیشت زندگی، نمی‌توان از بروز بزهکاری در یک کشور جلوگیری نمود، بلکه پیش گیری از ارتکاب جرایم افراد، تلاش همه جانبه ای را در تمامی ابعاد طلب میکند تا بتوان در این زمینه، به موفقیت‌هایی دست یافت.

در این کار تحقیقی سعی گردید تا به عوامل پیشگیری کننده پرداخته شود. متغیرهایی آموزشی و تربیتی که در این زمینه بیشترین سهم را دارند عبارتند از:

- خانواده: ایجاد روابط صمیمانه در خانواده کمکی است به نوجوانان تا بتوانند مشکلات خود را صادقانه با والدین در میان بگذارند و مجبور نباشند به محیط خارج از خانه پناه ببرند. مشاهدات روزمرّه نشان داده اند که کودکان و نوجوانان بزهکار عادات ناپسند خود را از پدر و مادر منحرف خود فرا می گیرند و به عنوان

1. U. N. Standard minimums Ruler for the administration of juvenile justics, 1985, (A/RES/40/33) (Beijing rules) and its translation

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

تقلید دست به کارهای خلاف می‌زنند همچنین تأمین نیازهای مادی و معنوی در این جا باید مورد توجه قرار گیرد اگر نوجوان در این مورد دچار کمبود باشد به سرکشی و ستیزه جویی پناه می برد. حق هر فرزند است که از تغذیه، پوشاک، مسکن و تفریحات مناسب برخوردار گردد. دولت و مسئولان جامعه حتی در موقع طلاق موظفند حداقل امکانات (یک زندگی معقول) را برای نوجوانان بخصوص افراد کم بضاعت فراهم آورند. بی کاری، تنهایی، نداشتن تحرّک و فعالیت و نداشتن سرگرمی از علل جرم می‌باشند.

آموزش و پرورش مناسب در راستای پیشگیری از بزه یکی از محورهای اصلی می باشد، البته در رابطه با پیشگیری از بزهکاری و آموزش و پرورش و مدرسه مطالب زیادی قابل بحث است اما به اختصار می‌توان گفت:آموزش باید همراه با پرورش باشد تا شاگردان ضمن کسب علم و تخصص افرادی با فرهنگ و شخصیت بار آیند و منافع اجتماعی را به منافع شخصی خویش مقدم بشمارند و در مدارس باید حس سازگاری و روحیه اجتماعی افراد را پرورش داده و آنها را برای احترام گذاشتن به حق و حقیقت، فداکاری به خاطر افراد دیگر مخصوصاً به خاطر جامعه آموزش دهند و همکاری های خانه و مدرسه را باید به صورت فعال درآورد، زیرا از این راه است که می توان آموزش و پرورش را به صورت یک اقدام اجتماعی در مباحث پیشگیری ازبزه به حساب درآورد.

بالا بردن سطح آگاهی مردم، گسترش خدمات بهداشتی، منع رفت و آمد به مراکز فساد، کنترل برنامه ها و افزایش وسایل تفریحی، وضع مقررات به منظور جلوگیری از ولگردی، تعیین ضوابطی برای جلوگیری از انحراف، سلب ولایت قهری از والدین غیرصالح، تحصیل تعلیمات برای رشد ذهنی کودکان و نوجوانان.

ایجاد مؤسسات راهنمایی و تربیتی با استفاده از روان پزشک، روان شناس، مشاور و مددکار اجتماعی برای مشاوره والدین و نوجوان و همچنین تاسیس پلیس و دادگاه های نوجوانان باید مورد توجه باشد چون پلیس نقش مربی و راهنما داشته باشد نه نقش کیفردهنده در اماکنی مثل پارک ها، خیابان های شلوغ، محل تفریح، فروشگاه های بزرگ و باشگاه های ورزشی. پلیس باید فردی تعلیم دیده و آشنا به روان شناسی و جرم شناسی باشد. برای کودکان بهتر است از پلیس زن استفاده نمود. رفتار پلیس باید بر اساس تجربه او باشد. او قادر باشد تفاوت بین بزرگسالان مجرم و نوجوان را بشناسد.

به طور کلی، برای پیشگیری باید تمامی گروه ها و اقشار جامعه همکاری نمایند; مدرسه، نهادهای مذهبی، نیروهای انتظامی و انجمن‌ها. حتی کسانی که فرزند بزهکار ندارند باید در این امر شرکت نمایند. برای پیشگیری باید به کل بافت جامعه توجه نمود و نظریاتی را در همان اجتماع تدوین نمود نه اینکه از طرح‌های از پیش ساخته شده سایر جوامع برای حل معضل اجتماع خود استفاده کنیم. خدمات پیشگیری شامل روان درمانی، آموزش های انفرادی و گروهی می گردد.

همچنین باید گفت برای استفاده مناسب از رسانه های گروهی در ترویج فرهنگ پیشگیری از جرم در جامعه، ابتدا باید جایگاه پیشگیری از جرم در سیاست جنایی کشور تبیین شود و عزمی جدی برای اجرای آن پدید آید.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

در مرحله بعد باید متولی یا متولیان قانونی امر شناسایی و فعال شوند. در این مرحله باید از ظرفیتهای قانونی موجود استفاده شود و در صورت لزوم به قانونگذاری و اصلاح قوانین و مقررات مبادرت شود و هر گونه سیاستگذاری و اقدام اصلاحی در خصوص استفاده از رسانه ها در توسعه قضایی و کاهش جرم در جامعه، باید مبتنی بر ارزیابی دقیق از وضعیت جرم در جامعه باشد که خود منوط به انجام پژوهشهای میدانی در سراسر کشور می‌باشد.

در نهایت باید گفت تدابیر و اقدامات پیشگیرانه بیشتر جنبه اجرایی دارند تا جنبه قضایی، به همین دلیل بیشتر کشورها پیشگیری از بزهکاری را به نهادهای اجرایی محول می کنند تا این نهادها با در اختیار داشتن توانایی ها و امکانات کافی در این زمینه به نتیجه موفقیت آمیزی دست یابند. در این لایحه با وجود اینکه برخی از کارشناسان به توانایی استاندار برای ریاست شورای استانی پیشگیری از جرم آگاهی و اعتقاد داشتند اما در پایان، مسئولیت پیشگیری از بزهکاری چه در سیاستگذاری و چه در برنامه های ارجایی بر عهده رئیس دادگستری استان گذاشته شد. به نظر می رسد دیدگاه گروه نخست با واقعیت های جرم شناختی – حقوی سازگارتر باشد زیرا از یک سو دستگاه قضایی تنها پس از وقوع جرم، صلاحت مداخله برای جلوگیری از تکرار جرم را دارد و از سویی دیگر براساس قوانین و مقررات کنونی، وزارت کشور مسئول تأمین امنیت در جامعه بود، برای تحقق این امر نیز از امکانات کافی برخوردار است. پس استاندار با توجه به امکاناتی که نسبت به رئیس دادگستری استان در اختیار دارد بهتر می تواند از امکانات محلی برای پیشگیری از جرم استفاده کند.

به هر حال، لایحه نخستین گام جدی پس از تدوین قانون اساسی برای عملیاتی کردن قسمت نخست بند ۵ اصل ۱۵۶ این قانون به شمار می رود با توجه به اینکه بدون وجود یک قانون عادی، که دربرگیرنده جنبه ها و شیوه های اجرای این بند باشد، نمی توان اجرای درست بند مزبور را انتظار داشت امید آن می رود با تصویب این لایحه و تأسیس شوراهای پیشگیری از بزهکاری، سرانجام گرایش و ساز و کارهای پیشگیری از بزهکاری، سیاست جنایی ایران را غنی و کاراتر کند.

پیشنهادها

۱- بالا بردن حس هوشیاری و آگاهی اجتماعی و احساس مسؤولیت در میان جوانان.

۲-گسترش هرچه بیشتر برنامه‌های آموزش و پرورش از طریق وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی برای ازدیاد آگاهی و شناخت مصائب و مسائل بزهکاری و خانواده‌های آنها از نظر اجتماعی در رابطه با اعتیاد.

۳- ترویج آموزش صحیح مناسبات و روابط انسانی در خانواده‌ها برای ایجاد پیوندهای معنوی و عاطفی سالم بین اعضای خانواده و خویشاوندان از طریق برنامه‌های آموزشی و دیگر وسایل ارتباط جمعی.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۴- راهنمایی و برقراری مناسبات خانوادگی از لحاظ کنترل فرزندان به منظور رفت‌وآمد به خانه و انتخاب و معاشرت با دوستان و دقت در انتخاب بهترین و صالح‌ترین آنها.

۴- اقدام به تهیه و پخش برنامه‌های آموزشی و فرهنگی از طریق وسایل ارتباط جمعی جهت آموزش در زمینه کمک به پیشگیری از بزهکاری.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

۱-آشوری، محمد، (۱۳۷۶)، چاپ اول، عدالت کیفری، مجموعه مقالات، مقاله قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در بوته آزمایش، تهران کتابخانه گنج دانش

۲-آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش

۳-آشوری، محمد، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۰)، ترجمه کتاب دفاع اجتماعی مارک انسل چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران

۴- آقایی، حسین، (۱۳۸۱)پیشگیری عمومی از بزهکاری مانعی برای جرم زدایی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۴۱

۵- اکیری، لیلا، (۱۳۸۰) بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین‌المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، حقوق جزا و جرمشناسی

۶- شیری، عباس، (بی‌تا)، افق‌های نوین عدالت کیفری، عدالت ترمیمی، انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران،

۷- فرجاد، محمد حسین، (۱۳۸۳) آسیب‌شناسی کجروی‌های اجتماعی، تهران، انتشارات قوه‌ء قضائیه، قانون تاسیس آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

۸- قائمی، علی، (۱۳۸۶) آسیب‌ها و عوارض اجتماعی، تهران، انتشارات امیری،

۹-کردعلیوند، (۱۳۸۱) روح‌الدین، ، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق و جزا و جرمشناسی دانشگاه امام صادق، دادرسی اطفال در حقوق ایران، فرانسه، و انگلیس

۱۰-گسن، ریموند، (۱۳۹۰) جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، تهران، انتشارات علامه طباطبایی،

۱۱-محمد زاده، حمیدرضا، بررسی نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از بزهکار، به نقل از سایت ttp://just1.persianblog.ir/post/

۱۲- معظمی، شهلا، (۱۳۸۸)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، نشر دادگستر، تهران

منابع لاتین

1-Beirne, P. , J. W. Messerschmidt (2011). Criminology: A Sociological Approach. Oxford: Oxford University Press.

2-Blechman, Elaine A, and Jedediah M. Bopp 2005, Juvenile Offenders, In Handbok of Juvenile Mentoring
http://tebyan-zn. ir/society. html

3-http://www. maavanews. ir/Default. aspx?tabid=4355&articleType= ArticleView&articleId=70724

4-shoemaker, Donald, (2015), Theoris of Delinquency: An examination of Explanation of Delinquent Behavior, 5th edition, New York: Oxford university Press, P. 234

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

Siegel, L. J. (2012). Criminology. Eleventh Edition. Wadsworth: Cengage Learning. 5
6-U. N. Standard minimums Ruler for the administration of juvenile justics, 1985, (A/RES/40/33) (Beijing rules) and its translation
United nation Rules for the protection of juvenile deprived of liberty, 19907.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]